

اگر تصور می‌کنیم که به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که تحت فشارهای شدیدی هم هستیم بخواهیم در جبهه قدرت‌هایی که به مراتب در پله‌های بالاتری از نردبان قدرت هستند شقاق ایجاد کنیم، این اولاً امکان ندارد، ثانیاً مستلزم هزینه‌های شدیدی است که به منافع ملی ما ضربه می‌زند. پس بهترین کار این است که از طریق دیپلماسی و تعامل این منافع را تامین کرد نه از طریق شقاق



یا نیست؟ هست. خب ما در این روزها دیدیم که تیم‌های تجاری فرانسوی که به ایران آمدند با واکنش شدید خود آمریکا مواجه شدند یعنی اوباما علناً در دیدار با اولاند تهدید کرد که هر شرکت تجاری، به ویژه شرکت‌های فرانسوی اگر بخواهند در این مقطع زمانی تحریم‌های تجاری علیه ایران را نقض کنند و وارد معامله با ایران بشوند، آمریکا به شدت پاسخ خواهد داد. می‌خواهم بگویم که این همان منطق قدرت است. یعنی وقتی میان آمریکا و فرانسه که در یک جبهه هستند این ملاحظات وجود دارد، دیگر نسبت به قدرت‌های درجه دوم اروپا صددرصد این مراتب بیشتر است و ما بیشترین تعامل تجاری مان هم در یک مرحله زمانی عمدتاً با همین کشورهای ۵+۱ بوده است. در یک مقطعی ما بیشترین حجم تجاری مان را با اتحادیه اروپا داشته ایم، در مقطعی ۲۵ درصد نفت خود را فقط به آمریکا می‌فروختیم، الان هم که با روسیه و چین تعامل داریم و حتی حجم مبادلات ما با چین به ۶۰ میلیارد دلار در سال هم رسیده است. بیشترین تأثیرگذاری سیاسی را اکنون این چند کشور در دنیا دارند، چه به صورت دوجانبه با ایران و چه در سازمان‌های بین‌المللی. بنابراین آن بحثی که ما از طریق فعال کردن دیپلماسی با قدرت‌های درجه دوم اروپایی و حتی شما قدرت‌های دیگر بگیرید، مثل آفریقای جنوبی، استرالیا، برزیل، هند، آرژانتین و قدرت‌های منطقه‌ای در حوزه جغرافیایی خودشان فی نفسه مثبت

بینید این که در روابط بین‌الملل کشورها سعی می‌کنند به هر نحوی منافع خودشان را تامین کنند و این که بین قدرت و تامین منافع با اخلاق تفکیک وجود دارد یک امر کاملاً پذیرفته شده است. حوزه روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل حوزه اخلاق نیست. ولی شما می‌فرمایید بیایم بین این کشورها شقاق ایجاد کنیم. به هر حال این کشورها در مراتب قدرت بالاتری از ما هستند و در ساختار کنونی قدرت جایگاه بالاتری دارند. اگر تصور می‌کنیم که به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که تحت فشارهای شدیدی هم هستیم بخواهیم در جبهه قدرت‌هایی که به مراتب در پله‌های بالاتری از نردبان قدرت هستند شقاق ایجاد کنیم، این اولاً امکان ندارد، ثانیاً مستلزم هزینه‌های شدیدی است که به منافع ملی ما ضربه می‌زند. پس بهترین کار این است که از طریق دیپلماسی و تعامل این منافع را تامین کرد نه از طریق شقاق.

شاید بهتر باشد این گونه بیرسم که اگر در تعاملات توافق هسته‌ای ژنو، قدرت‌های بزرگ به ویژه تروئیکا اروپایی بخواهند رفتاری برخلاف بازی برد-برد انجام بدهند، ما می‌توانیم با وارد کردن دیگر کشور های اروپایی مثل ایتالیا، اسپانیا و ... اثرات منفی رفتار آن‌ها را خنثی کنیم؟

من سؤالی از شما دارم. آیا فرانسه عضو تیم مذاکره ۵+۱ هست یا نیست؟ هست. جزو ۵ قدرت دائمی شورای امنیت هست

آنجا قاعده بازی با دیپلماسی دوجانبه کمی متفاوت است. یعنی در نهادهای چندجانبه مثل سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل، رای تک تک کشورها حائز اهمیت است. این است که من موافقم که با هر کشوری روابط خوبی داشته باشیم، اما این که تصور کنیم می‌توانیم با قدرت‌های دیگر از طریق تعامل بیشتر به اصطلاح موج سواری بکنیم، یعنی اختلاف بیندازیم و از شکاف‌هایی که ممکن است میان پاره‌ای از دولت‌ها وجود داشته باشد استفاده بکنیم این استراتژی امروز برای ما جواب نمی‌دهد. چون آن‌ها دقیقاً در تعیین معیارهایی که علیه ما در پیش گرفته اند کاملاً یک نظر هستند. من حتی معتقدم روسیه و چین هم که در پاره‌ای از موارد قطعنامه‌های علیه ایران را وتو کرده اند، آن‌ها هم در ماهیت کلی باز فقط به منافع خودشان می‌اندیشند و نشان داده که در این روند اخیر، چندان هم مخالف با قدرت‌های بزرگ دیگر نبودند. بنابراین فی نفسه دیپلماسی فعال را با همه کشورها، از جمله کشورهای منطقه، کشورهای اتحادیه اروپا می‌پذیرم ولی به عنوان یک استراتژی به منظور ایجاد شقاق بین اعضای اتحادیه اروپا کاملاً رد می‌کنم.

خب ما می‌توانیم با تضاد منفعی که بین کشور های تروئیکا با دیگر کشور های اروپایی به وجود می‌آید، نوعی شکاف را در بین این کشور ها ایجاد کنیم تا اثرات تحریم‌ها و رفتار های ظالمانه آن‌ها را کاهش دهیم؟